



<http://www.arianafghanistan.com>



مسئولیت متن، املاء و انشاء این نوشته بدوش خود نویسنده میباشد



۲۰۱۷/۰۹/۲۷

رسول پویان

اوضاع اقتصادی و اجتماعی افغانستان

پس از کودتای ثور ۱۳۵۷

قسمت سوم

دورهٔ ببرک کارمل (جدی ۱۳۵۸-۱۳۶۵)

دورهٔ کوتاه حفیظ الله امین با یورش نظامی قوای قشون سرخ به پایان رسید و بعد از قتل وی ببرک کارمل رقیب سرسخت او به حمایت نظامی شوروی بر اریکهٔ قدرت تکیه زد. با پیشروی اردوی شوروی به سوی آبهای گرم و منابع انرژی شرق میانه و جنوب آسیا، صفحهٔ جدیدی در تاریخ رقابت های قطبین حاکم در افغانستان، منطقه و جهان باز شد و موضوع افغانستان جنبه ملی و بین المللی بخود گرفت.

مبارزات متنوع مردمی که نخست بیشتر جنبهٔ خود جوش و پتانسیل محلی و سمتی داشت، حالت عمومی و ملی پیدا کرد و به مرور زمان با حمایت همه جانبهٔ خارجی در شکل و سیمای «جهاد ضد کمونیستی» و «مبارزهٔ اسلام و کفر» تبدیل گردید و افغانستان به میدان جنگ و کشاکش قطبین حاکم جهانی تبدیل شد.

پرچمی ها به رهبری ببرک کارمل چیزی برای گفتن و طرح عملی جامع جهت اصلاح امور در دست نداشتند. حضور قوای شوروی آنان را در برابر احساسات ملی و مذهبی مردم از یکطرف و ضدیت آشکار جهان غرب و کشورهای اسلامی عرب از جانب دیگر قرار داده بود. کارمل در بیانیهٔ خود که از خاک اتحاد شوروی پخش شد، تلاش ورزید با «میر غضب» خطاب کردن امین همه اشتباهات، نواقص و جنایات را به گردن او بیندازد.

در اوایل دورهٔ ببرک کارمل یک سلسله اصلاحات سطحی و شعار گونه برای حصول حمایت مردم، مانند آزادی زندانیان سیاسی، منع تعقیب و تفتیش منازل و آزادی مطبوعات و اجتماعات اعلان شد که نتیجهٔ مطلوب نداد. ارائهٔ لیست طویل اعدام شدگان خشم مردم را بیشتر برانگیخت و آزادی تعداد معدود زندانیان آبی بر آن آتش پاشیده نتوانست. با به گلوله بستن تظاهرات محصلان پوهنتون و حفظ فضای اختناق، دیگر جایی برای آزادی مطبوعات و اجتماعات

باقی نماند. فشارهای نظامی و هوایی به مرور زمان چنان افزایش یافت که تفتیش منازل به پدیده بسیار عادی تبدیل شد.

سران دولت کارمل به رهنمایی مشاورین روسی بعد از شکست اصلاحات مرحله نخست به فکر اصلاحات عمیق تر سیاسی، اقتصادی و اجتماعی برآمدند. آنان به تأثیرات بسیار منفی فرمان های اولیه و طرحهای خام خویش که قیام های مردمی و مبارزات مسلحانه را دامن زده بود، تا حدودی پی برده بودند؛ لیکن قصد نداشتند از اهداف انقلابی، ایدئولوژیکی و افراطی خود دست بردارند و مطابق به واقعیت های افغانستان، منطقه و جهان عمل نمایند. به این دلایل اصلاحات مطروحه که در راستای همان اهداف افراطی متناقض با جامعه افغانستان بوجود آمد، موفق نشد.

در حوت ۱۳۶۱ دولت دست به تشکیل «جبهه پدر وطن» دراز کرد، تا از نگاه سیاسی و عنعنوی پایگاه حزب و دولت را وسیع تر سازد و به دنبال آن به ایجاد «هسته های اولیه اقوام و قبایل» اقدام شد. جهت کاهش احساسات مذهبی و خشم عقیدتی مردم «شئون اسلامی» تشکیل گردید. در عرصه اقتصادی و اجتماعی به تعدیل «اصلاحات ارضی» پرداخته شد و برای تثبیتات خصوصی میدان بیشتری فراهم گردید.

اصلاحات این مرحله هم از عمق لازم برخوردار نبود و دولت هنوز از اهداف افراطی خود نمی خواست دست بردارد. به طور مثال کارمل در بیانیه برج عقرب سال ۱۳۶۱ در ولایت هرات گفت: «تحقق اصلاحات ارضی و آب در واقعیت امر حلقه مرکزی و عمده انقلاب ملی و دموکراتیک ما را تشکیل می دهد» (۱) همچنان تعدیلاتی که در برنامه اصلاحات ارضی به وجود آمده بود بسیار دیر و ناچیز به نظر می آمد: «بعد از مرحله نوین و تکاملی انقلاب ملکیت بر زمین از یک هکتار به دو هکتار بالا برده شد» (۲)

در دوره ببرک کارمل هرچند اصلاحاتی روی دست گرفته شد؛ لیکن در اهداف اساسی دولت و وابسته سازی کشور به شوروی تفاوت عملی و موثر چندانی دیده نمی شد. دولت در واقع تاکتیک ها و شیوه پیاده سازی همان اهداف اساسی خویش را اصلاح میکرد و تلاش می وزید با شناخت بهتر شرایط و اوضاع جامعه، برنامه هایش را تطبیق کند. چنانکه به تاریخ ۵ اسد سال ۱۳۶۱ در پلینوم نهم کمیته مرکزی حزب آمده است:

« در جریان کار سیاسی با توده ها سازمان های حزبی، اجتماعی و موسسات ایدئولوژیکی کشور باید خصوصیت اقشار و گروه های اجتماعی مردم را مدنظر بگیرند و با آنها برخورد متنوع داشته باشند و به صورت پیگیر باید اصول اعلام شده حزب دیموکراتیک خلق افغانستان و حکومت جمهوری دیموکراتیک افغانستان نسبت به دین مقدس اسلام، سنن و عنعنات مردم، ارزش های تاریخی و فرهنگی اقوام و قبایل افغانستان مراعات گردد» (۳)

کارمل در سخن رانی خود در برج عقرب ۱۳۶۱ از کمک های شوروی این طور تقدیر می نماید:

۱ - اتفاق اسلام، ۲ عقرب ۱۳۶۱
۲ - اتفاق اسلام، ۱۸ جوزای ۱۳۶۱
۳ - اتفاق اسلام، ۷ اسد ۱۳۶۱

«کمکهای بی شایبه و سخاوتمندانه اتحاد شوروی برادر و دوست مطمئن ما نقش پر ارزش و بی نظیری را در رفع دشواری های موجود اقتصادی ما ایفا می نماید» (۴)

در این دوره همچنان تلاش شد تا متشبهین خصوصی تشویق شده و از این ناحیه توان اقتصادی دولت افزایش داده شود. هدف دولت این بود تا بخش خصوصی تحت رهبری سکتور دولتی رشد کند. در این باره در روزنامه اتفاق اسلام می خوانیم:

«به تاسی از احکام ۱۸ و ۲۲ اصول اساسی جمهوری دیموکراتیک افغانستان که دولت تشبثات خصوصی را تشویق، حمایت و کنترل می کند، سی و شش پروژه متوسط و کوچک به سرمایه مجموعی ۴۹۸ میلیون افغانی که شامل بخشهای مختلف چون: کشمش پاک، نساجی، مرغداری، صابون سازی، تولید نخ و غیره می باشد، منظور گردیده است» (۵)



۴ - اتفاق اسلام، ۲ عقرب ۱۳۶۱
۵ - اتفاق اسلام، ۴ قوس ۱۳۶۱.